



گفتگو با محققان و پژوهشگران کتابخانه شماره ۲۵

الف - مصاحبه با

نصرالله صالحی^(۱)

احسان اله شکر الهی



ج - اتفاقاً سوال جالبی است. قبل از این که من این کتابخانه را پیدا کنم بیشتر با کتابخانه ملی و کتابخانه شماره یک مجلس سروکار داشتم. ولی حدود هفت سال پیش که در این جا

نمایشگاهی برگزار شده بود در مورد روزنامه‌های قدیمی و سایر منابع قدیمی این کتابخانه، من حسب تصادف برای بازدید آمده بودم به این جا و در آن بازدید متوجه شدم بسیاری از منابع که بنده دنبالش بودم اعم از مطبوعات و کتاب‌های منتشره چاپ خارج مربوط به قرن‌های شانزده و هفده میلادی در اینجا هست. همین اتفاق باعث شد از زمان آن نمایشگاه به بعد به این کتابخانه مراجعه کنم و تدریجاً نسبت به منابع ارزشمند موجود در آن اشراف و اطلاع حاصل کنم، و خوشبختانه در تمام این سال‌ها که به این کتابخانه مراجعه کردم، اوقاتی که در این جا صرف کردم، اوقات پربراری برای من بود. به ویژه که این کتابخانه خوشبختانه یا متأسفانه به نسبت کتابخانه شماره یک مراجعه کنندگان کمتری دارد و مراجعه کنندگان آن عموماً در حد دانشجوی دکتری یا فوق لیسانس یا محققین و ایران شناسانی هستند که از خارج به این جا مراجعه می‌کنند و به همین خاطر این کتابخانه مثل کتابخانه شماره یک شلوغ نیست و همین امر دست محقق را در استفاده بهینه از منابع باز می‌گذارد. برای مثال وقتی ما به کتابخانه شماره یک مراجعه

مس - ضمن تشکر از این که دعوت ما را برای انجام این مصاحبه پذیرفتید، به عنوان یکی از مراجعه کنندگان ثابت کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی و کسی که با طرح و برنامه به کتابخانه مراجعه می‌کند تا آنچه را دقیقاً جستجو می‌کند در آن جا بیابد، نظر خود را در مورد مجموعه این کتابخانه تخصصی بفرمایید.

ج - بسم الله الرحمن الرحیم. من هم از شما و همکارانتان تشکر می‌کنم که زمینه انتشار ویژه نامه‌ای را برای کتابخانه بسیار ارزشمند شماره ۲ مجلس فراهم کردید، این گفتگو بهانه‌ای است برای انعکاس ارزش‌های این کتابخانه در آن ویژه نامه.

مقدمتاً خدمت شما عرض می‌کنم، بنده دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه هستم. با این که اطلاع دارید دانشگاه تهران در میان دانشگاه‌های کشور دانشگاه مادر محسوب می‌شود و از کتابخانه‌های بسیار غنی برخوردار است، به ویژه کتابخانه مرکزی این دانشگاه و کتابخانه دانشکده ادبیات آن از هر جهت غنی هستند، ولی سالیانست که من بیشتر اوقات مطالعاتی خودم را در این کتابخانه سپری می‌کنم. این نشان دهنده آن است که این جا نه تنها دست کمی از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ندارد، بلکه از جهاتی نسبت به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و حتی کتابخانه شماره یک مجلس دارای منابع مطالعاتی منحصر به فردی است که در کتابخانه‌های دیگر یافت نمی‌شود. به ویژه در زمینه ایران شناسی و اسلام شناسی، به همین خاطر است که بنده حدود شش - هفت سال است که روزانه پنج - شش ساعت از اوقات مطالعاتی خودم را در این جا سپری می‌کنم و امیدوارم با مساعدت مسئولین روز به روز بر غنای این کتابخانه افزوده شود.

س - چگونه این کتابخانه را یافتید؟

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و عضو هیات تحریریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

می کنیم شاید از صبح تا ظهر بیش از سه کتاب امانت ندهند. چون ازدحام مراجعین زیاد است، و این مراجعین بیشتر دانشجویان هستند. اما در کتابخانه شماره دو گاهی پیش آمده که من از صبح تا ظهر سی کتاب امانت گرفته ام. چون غالباً در زمینه کتاب شناسی کار می کنم، نیاز دارم منابع زیادی را بگیرم و استفاده کنم. خوشبختانه کارمندان خیلی خوب این کتابخانه بدون ابراز هیچ ناراحتی، هر منبعی را که بخواهیم در اختیار ما قرار می دهند و در این فضای علمی که حاکم بر این مکان است از این منابع استفاده می کنیم.

در همین جالازم می دانم از خدمات سرکار خانم رادبشری ذکری بکنم. ایشان از کارمندان بسیار پرتجربه، باانگیزه و فعال این کتابخانه بودند که چند ماهی است کتابخانه از خدمات ایشان محروم شده، هر چند تلاش هایی هم برای بازگرداندن ایشان صورت گرفته، گویا نظام اداری مجلس ترجیح داد از کارمندی که بیش از بیست و پنج سال سابقه کار در کتابخانه دارد در بخش اداری استفاده نکند.

هر چند کارمندان دیگری که به جای ایشان آمدند تلاش کردند جای خالی ایشان را تا حد زیادی پر کنند، ولی ایشان از کارمندانی بودند که با بزرگانی چون ایرج افشار، مرحوم زریاب خوبی و دکتر جهاننداری کار کرده بودند و اشراف لازم را از جهت کتاب شناسی داشتند.

س - فرمایش شما حاکی این نکته بود که کتابخانه ای با این غنا و این حجم از منابع تخصصی باید از وجود کارمندانی کارکشته، با تجربه و دانش آموخته بهره مند باشد که بتوانند به مراجعین این سنگ از کتابخانه خدمات مناسبی را ارائه کنند.

ج - صحبت شما کاملاً درست است. به جهت این که اگر کارمند کتابدار چنین کتابخانه ای کتاب شناس نباشد، شاید تا نود درصد امکانات و منابع این کتابخانه بلااستفاده بماند. چون دیده می شود برخی افرادی که به کتابخانه مراجعه می کنند خودشان در بدو امر دقیقاً نمی دانند که چه می خواهند و طبیعتاً از کتابدار سوال می کنند، و این کتابدار است که می تواند آنها را هدایت کند. خود من بعد از چند سال مراجعه دائم به این جا به منابع این کتابخانه اعم از فارسی و لاتین اشراف پیدا کردم.

س - شما از سابقه تاسیس این کتابخانه چه اطلاعی دارید؟

ج - اطلاعات اجمالی که من دارم از کتابداران همین کتابخانه به دست آوردم. این کتابخانه پیش از انقلاب کتابخانه مجلس سنا بوده، یعنی مختص استفاده سناتورها بوده. سناتورها هم غالباً افراد مسنی بودند که بعضاً اهل قلم بودند، مثل علی دشتی و سید حسن تقی زاده. کتابدارها و کتاب شناس های بزرگی هم در این کتابخانه کار می کردند، مثل ایرج افشار، کیکاووس جهاننداری و عباس زریاب خوبی. اکنون اگر ما می بینیم منابع غنی ایران شناسی به زبان های اروپایی در این کتابخانه وجود دارد، عمدتاً این منابع در آن دوران

خریداری شده. بسیاری از نشریات شرق شناسی که هنوز شماره های تازه آن به کتابخانه می رسد محصول همان اقدامی است که آنها صورت دادند.

بعد از انقلاب هم تا آنجا که من اطلاع دارم اولین رییس این کتابخانه آقای دکتر نجفقلی حبیبی بودند که ایشان هم فردی فرهیخته و اهل فرهنگ بودند و خوشبختانه در آن بحبوحه انقلاب که بسیاری از سازمان ها دچار مشکلاتی شدند، ایشان مانع از درهم ریختگی این کتابخانه شدند. من حتی شنیدم بسیاری از نشریاتی که توسط گروه ها و احزاب اوایل انقلاب منتشر می شد و تعداد آنها به صدها می رسید، به همت جناب آقای حبیبی جمع آوری شد و ایشان اجازه ندادند این گنجینه عظیم از میان برود. یعنی از جراید سه سال اول انقلاب تمام آنچه به کتابخانه رسیده به صورت صحافی شده موجود است.

نکته دیگر این که خوشبختانه بعد از انقلاب کتابخانه سنا که قبلاً تنها در انحصار سناتورها بود حالت عمومی پیدا کرد و محققین حوزه ایران شناسی و اسلام شناسی اجازه پیدا کردند که به این منابع دسترسی داشته باشند. ولی عموماً افرادی که در حال نوشتن پایان نامه هستند، به این کتابخانه مراجعه می کنند.

س - از عمومی شدن کتابخانه صحبت کردید. بد نیست در این جا این سوال را مطرح کنیم که به نظر شما یک کتابخانه تخصصی مثل کتابخانه شماره دو مجلس شورای اسلامی تا چه حد باید عمومی باشد و آیا باید درهای آن به روی هر مراجعه کننده ای باز باشد؟ وقتی ما صحبت از عموم می کنیم سنین مختلف و سطوح مختلف تحصیلی و تحقیقی در آن می گنجد، و به نظر من رسید که لازم است تعریف مشخصی از مخاطبین چنین کتابخانه ای ارائه شود. نظر شما در این خصوص چیست؟

ج - منظور من از عمومی شدن این بود که آن حالت انحصاری پیش از انقلاب شکسته شده، اما منظور من دانش آموزان یا دانشجویان دوره های کاردانی و کارشناسی نیست. منابع این کتابخانه به کار کسانی می آید که در حال تدوین کتاب یا رساله پایان نامه یا مقالات علمی سطح بالا هستند. چون منابع این کتابخانه حول محور ایران شناسی، اسلام شناسی و شرق شناسی است و بسیاری از این منابع لاتین است. بنابراین تعریف عموم را ما امروز باید محدود بکنیم و مراجعان این کتابخانه باید بالاتر از مقطع کارشناسی باشند. اگر درهای این کتابخانه هم مثل کتابخانه شماره یک به روی همه باز باشد، نقض غرض می شود و در کار آن اختلال پیش می آید. و همین اختلال باعث می شود محققینی که در حال انجام تحقیقات جدی هستند نتوانند از منابع این جا استفاده کنند.

س - البته این توضیح را لازم است بنده عرض کنم که در کتابخانه شماره یک علی رغم این که عمومی تر است محدودیت هایی وجود دارد، افراد

مقطع کارشناسی و بالاتر را می‌پذیرند و سایر افراد نمی‌توانند عضو آن کتابخانه شوند، مگر آنکه معلوم شود اهل تحقیق واقعی هستند. بنابراین افرادی که برای مطالعه تفتنی یا صرفاً انجام تکالیف درسی به آنجا مراجعه می‌کنند، در دایره اعضای پذیرفته شده نمی‌گنجد. کتابخانه شماره یک هم تخصصی است و فراهم آوری منابع در آنجا هم بر اساس سیاستی مدون صورت می‌گیرد. بعد از این توضیح استدعا دارم بفرمایید به نظر شما نقش کتابخانه شماره دو در تحقیقات ایران‌شناسی چه می‌تواند باشد؟

ج - این کتابخانه در تحقیقات ایران‌شناسی نقش بسیار ویژه‌ای دارد. با توجه به این که منابع تولید شده در پیش از انقلاب در این جا نگهداری می‌شود، از این جهت مکمل کتابخانه‌هایی مثل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه شماره یک مجلس است که منابع روز را جمع آوری می‌کنند. تجربه شخصی من این است که بارها منابعی را به زبان‌های لاتین از کتابخانه‌های دانشگاه تهران خواستم، در آنجا نبود، اما وقتی به این جا مراجعه کردم آن منابع وجود داشت. این مسئله هم در مورد کتاب و هم در خصوص نشریات ادواری صادق است. به عنوان نمونه مجله: Journal of middle eastern studies مجله بسیار معتبری است که در شماره‌های مربوط به سال ۱۹۷۹ این نشریه که مصادف با انقلاب اسلامی ایران است؛ در دانشگاه تهران دنبال مقاله‌ای بودم در مورد علل و ریشه‌های انقلاب مشروطه. به چند کتابخانه معتبر مراجعه کردم هیچ کدام حتی آنها که دوره این نشریه را داشتند آن شماره به خصوص را نداشتند اما خوشبختانه دوره کامل این مجله در کتابخانه شماره دو بود و من از آن استفاده کردم.

البته بعد از انقلاب کتاب‌های چندانی برای این کتابخانه خریداری نشده و حتی منابع فارسی دست اول هم برای این کتابخانه تهیه نشده است. غیر از آن منابع لاتین که کتابخانه مشترک بوده و هنوز هم بعضاً به کتابخانه می‌رسد. من چندی پیش نامه‌ای برای ریاست محترم کتابخانه جناب آقای ابهری نوشتم و ایشان هم سریعاً ترتیب اثر دادند و تغییر و تحولی ایجاد شد به این ترتیب که نسبت به خرید کتاب‌های فارسی برای این کتابخانه اهتمام صورت گرفت اما این کافی نیست. خلاصه به وجود آمده طی سال‌های پس از انقلاب را باید به نوعی پر کرد.

ما می‌توانیم مطمئن باشیم که از منابع و مآخذ دست اول و متون تصحیح شده پیش از انقلاب حتماً یک نسخه در این کتابخانه وجود دارد، اما نمی‌توانیم مطمئن باشیم متونی که امروز تصحیح و منتشر می‌شود، یک نسخه‌اش به این کتابخانه برسد. آنچه هست به صورت اتفاقی به این جا رسیده. نهر چند بعد از اقدامی که عرض کردم شاهد تحولی بودیم، اما باز چند ماهی است که این روند دچار وقفه شده است. س - شما به عنوان یک محقق که انتظار دارید خدمات خوبی در چنین

محیط‌هایی به شما عرضه شود، چه پیشنهادی در این زمینه (یعنی خدمات بیشتر و بهتر) دارید؟

ج - فقط ما انتظار داریم منابع اصلی و مهم، مآخذ و متون و کتاب‌های مرجع و آنها که جنبه دائرةالمعارفی دارند و اتفاقاً در سال‌های اخیر رشد خوبی در انتشار آنها صورت گرفته، برای این کتابخانه خریداری گردد، تا منابع کتابخانه دچار نقص نشود.

خیلی خوب است همه کتاب‌های ایران‌شناسی - اسلام‌شناسی که در غرب منتشر شده یا می‌شود در این کتابخانه فراهم گردد. برای سهولت کار می‌توان از فهرسی که در این زمینه منتشر می‌شود استفاده کرد؛ از جمله کتاب‌شناسی که خود من در کتاب ماه تاریخ و جغرافیایی در هر شماره ارائه می‌کنم. اطلاعات کتاب‌شناختی بسیاری از منابع را من از Index islamic us به دست می‌آورم. اما وقتی به کتابخانه شماره ۲ مراجعه می‌کنم، کتاب‌های معرفی شده را در آنجا نمی‌بینم. این نشان می‌دهد در سال‌های اخیر آن گونه که انتظار می‌رود منابع فراهم نشده و باید بخش فراهم آوری کتابخانه اهتمام خاصی به این موضوع داشته باشد. اگر این منابع در زمان انتشار خریداری نشود امکان خرید بعدی آنها وجود ندارد. چون معمولاً تیراژ این کتاب‌ها کم است، حداکثر هزار، و این تعداد کم هم توسط کتابخانه‌های معتبر دنیا خریداری می‌شود و بعداً دیگر نمی‌شود این منابع را به دست آورد. در این کتابخانه حتی به کتاب‌هایی که در بخش جایزه جهانی کتاب سال انتخاب شده‌اند توجهی نشده و خریداری نگردیده.

س - جناب آقای صالحی من این توضیح را لازم می‌دانم که بسیاری از منابع ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی خریداری شده، اما به دلیل سیاست کتابخانه در کتابخانه شماره یک ثبت شده است. یعنی همین فضای کم کتابخانه و عدم گنجایش منابع و سایر مضایق باعث شده در مقطع کنونی منابع جدید بیشتر در آن کتابخانه به ثبت برسد. انشاءالله پس از برطرف شدن این مضایق و فراهم شدن فضای کافی مجدداً این دسته از منابع در همین کتابخانه ثبت و نگهداری بشود.





ج - بله انشاءالله در مورد جراید هم باید عرض کنم از میان شش هفت روزنامه ای که به این جامی رسد، عمدتاً روزنامه هایی هستند که در آینده مورد استفاده تحقیقی نخواهد داشت. اگر بناست در این جا روزنامه ای هم نگهداری شود این دست روزنامه ها باید مورد توجه باشد. برای مثال ما در دو ساله هفتاد و نه و هشتاد با انتشار کثیری از روزنامه ها مواجه شدیم که اصطلاحاً دوم خردادی نام گرفتند. از این روزنامه های دوم خردادی هیچ کدام به این جا نرسید. این ها هستند که بعدها به عنوان منبع و مرجع، مورد استفاده تحقیقات تاریخی قرار خواهند گرفت.

در زمینه مجلات ادواری هم باید یادآوری کرد که بعضی از نشریات که قبلاً کتابخانه آنها را مشترک بوده امروز اشتراکش تمام شده، و لازم است اشتراک این نشریات تمدید شود. ضمن آنکه مجلات وزین فارسی که طی سال های اخیر منتشر شده همه شماره های آن فراهم شود. برای نمونه از میان ده ها مجله، «نامه انجمن» نشریه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران تنها شماره نخست آن به این کتابخانه رسیده و چهار شماره بعدی به این جا نرسیده.

س - به نظر شما کتابخانه برای معرفی داشته های خودش چه روش هایی را می تواند پیش روی داشته باشد؟

ج - سوال خیلی خوبی است. مشکلی که ما امروز در ایران داریم، ضعف اطلاع رسانی است. یعنی اکثر محققین و دانشجویان مادنال منابعی می گردند که از محل پیدا کردن این منابع اطلاعی ندارند. و عمدتاً به کتابخانه ملی یا کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مراجعه می کنند. ولی چون این جا را نمی شناسند به این جا مراجعه نمی کنند. بایستی کتابخانه مجلس کار خیلی خوبی را که از دو سال پیش آغاز کرده یعنی انتشار «پیام بهارستان»، که در آن اطلاع رسانی خیلی خوبی صورت می گیرد توسعه دهد. با توجه به این که این مجله حالت داخلی دارد، به دست همه اهل تحقیق نمی رسد. اگر این نشریه حالت عمومی پیدا کند و در ده های مطبوعاتی به فروش برسد و تازه های کتاب کتابخانه شماره دو هم در آن

منعکس شود، خیلی می تواند در اطلاع رسانی موفق باشد. بعضی از کتابخانه های ایران هر شش ماه یک بار فهرست کتاب های تازه وارد شده را در جزوه هایی منتشر می کنند و به کتابخانه های دیگر هم می فرستند، تا محققانی که از کتابخانه های دیگر استفاده می کنند بدانند چه کتاب هایی به آنجا رسیده. با توجه به این که کتابخانه مجلس یک وجهه بین المللی دارد، و از نمایشگاه های بین المللی خارج از کشور هم خرید انجام می دهد، خوبست چنین کاری را انجام دهد تا حتی محققین شهرستانی هم از فراهم آوری منابع جدید مطلع بشوند. جدی گرفتن اطلاع رسانی تازه های کتاب در مجله پیام بهارستان یکی از توصیه های اکید من می تواند باشد.

س - به نظر شما از جهت فضای فیزیکی و موقعیت جغرافیایی کتابخانه شماره دو مجلس چه وضعیتی دارد. آیا از هر دو جنبه مناسب است یا نیاز به تغییری دارد؟ مخصوصاً که تاکید شما به غنای مجموعه و ضرورت فراهم آوری منابع بیشتر و تکمیل مجموعه، فضای بزرگتری را می طلبد و نزدیکی این کتابخانه به پارلمان محدودیت هایی را از جهت تردد برای محققین ایجاد می کند.

ج - در این زمینه هم کتابخانه شماره دو ویژگی های مثبتی دارد. از این جهت که در مرکز شهر قرار گرفته و محل دنج و راحتی است، ولی این مسئله که در کنار پارلمان قرار گرفته و از جهت امنیتی سخت گیری های خاصی در بدو ورود اعمال می شود، برای یک محیط علمی مناسب نیست. مخصوصاً که نگهبان ها زود به زود عوض می شوند و حتی ما که سال ها است به این جا تردد داریم، و همه کتابدارها ما را می شناسند، اگر یک روز کارتمان را فراموش کنیم اجازه ورود به این جا را نداریم. چه رسد به محققینی که برای نخستین بار به این کتابخانه مراجعه می کنند که اصلاً امکان ورود به کتابخانه را ندارند، و من خود بارها شاهد این صحنه بودم که آنها را از مقابل کتابخانه برگردانده اند؛ چون آن ویژگی امنیتی حاکم بر این جا مانع از آن می شود که هر کسی به راحتی بتواند در آن تردد کند.

این مساله را من شخصاً چندین بار گزارش دادم و درخواست کردم که راه حلی برای این مشکل پیدا شود، علی رغم قول مساعد، اقدامی در این زمینه صورت نگرفت، و این جو امنیتی از مشکلات و موانع استفاده از این کتابخانه است.

س - البته این مصاحبه هایی که انجام می شود و ویژه نامه ای که بناست منتشر شود در راستای همان درخواست ها و پیشنهادهاست، و این مژده را باید به اهل تحقیق مخصوصاً علاقه مندان استفاده از این کتابخانه باید بدهیم که این تلاش ها در شرف رسیدن به نتیجه است، و انشاءالله فضایی بزرگتر در محیطی مناسب برای این مجموعه غنی، ارزشمند و کم نظیر تدارک دیده خواهد شد.

پیشنهاد خود شما برای انتقال این کتابخانه کدام منطقه یا محله است؟

ج - با توجه به گستردگی زیاد شهر تهران به لحاظ جغرافیایی، من پیشنهاد می کنم یک شعبه دیگر هم علاوه بر این دو شعبه

کتابخانه مجلس تاسیس شود، تا سطح بیشتری را در شهر تهران پوشش دهد، اما آن طور که من اطلاع پیدا کردم همین کتابخانه هم بناست به بهارستان منتقل شود و این اقدام باعث می شود از جهت جغرافیایی تمرکز به وجود آید و دسترسی محققین که تمایل به استفاده از این منابع در مرکز شهر دارند کم شود. در کتابخانه ملی واقع در خیابان سی تیر چندین سال است که به دلیل پر شدن مخازن، منابع جدید در دسترس محققین قرار ندارد. کتابخانه بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی هم به خاطر قرار گرفتن در شمالی ترین نقطه شهر، دور از دسترس محققین است، ضمن آنکه بیشتر جنبه استفاده اختصاصی برای محققین خود آن بنیاد را دارد. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هم ویژه استفاده دانشجویان دانشگاه تهران است، و به علاوه مشکلات عدیده ای برای استفاده وجود دارد از جمله این که به دانشجوی دوره دکتری دو یا سه کتاب بیشتر امانت نمی دهند، آن هم بعد از کلی اتلاف وقت؛ بنابراین تنها کتابخانه ای که می تواند نیاز امروز محققین حوزه های ایران شناسی و اسلام شناسی را برطرف کند همین کتابخانه است که در خیابان امام خمینی قرار گرفته و این مکان بهترین موقعیت مکانی را دارد. اما گویا تصمیم جابجایی این کتابخانه گرفته شده، فقط امیدواریم که این جابجایی منجر به از بین رفتن منابع آن یا ادغام آن با کتابخانه دیگر حتی کتابخانه شماره یک مجلس نشود، هویت خاص خودش را حفظ کند و به افزودن منابع تخصصی که از پیش از انقلاب در آن فراهم شده بیش از پیش عنایت شود.

س - خاطره خوب و بد شما از ایام مراجعه به این کتابخانه چیست؟
ج - چند خاطره به ذهنم می رسد. یکی از خاطراتی که خیلی برایم جالب است این است که در مقایسه با کتابخانه های دیگر دسترسی به منابع خیلی سهل الوصول است، و محض نمونه اگر من در یک روز سی کتاب هم بخواهم در اختیارم قرار داده می شود؛ این بهترین خاطره برای هر محقق است که همه کتاب هایی را که به آن نیاز دارد به راحتی به دست بیاورد. پس خاطره خوب من این است که هر کتابی خواستم بدون مضایقه در اختیارم قرار گرفت. خاطره دیگرم این است که بارها شده کتاب هایی را در کتابخانه مختلف و معتبر جستیم و نیافتیم اما وقتی به این کتابخانه مراجعه کردم آن عناوین موجود بود. اما خاطره بد من هم این است که برای آباد شدن یک کتابخانه دیگر منابع قدیمی و چاپ هند این کتابخانه را کپی کردند به نوعی که برگ های آنها خرد شده و شیرازه اش از هم متلاشی شد و این صحنه بسیار غم انگیز بود.

س - از ابتدای مصاحبه تا این لحظه، ترجیح بند گفتار شما کمیت و کیفیت خدمات به محققان بود و از آمالها، انگیزه ها و امیدهای خودتان صحبت

کردید. چه خوب است که همه کتابخانه و مراکز اطلاع رسانی بتوانند به شایستگی رسالت خودشان را در این راستا به انجام برسانند تا شما و امثال شما که بدون شما کتابخانه معنایی ندارد، در شرایط بهتر و با روحیه شادابتری به امر پژوهش پردازید. مخصوصاً امیدواریم کتابخانه مجلس با سابقه قریب به هشت دهه، همان طور که پیش از این به عنوان یکی از بهترین کتابخانه های این سرزمین و کشورهای اسلامی عمل کرده، از این پس هم با استفاده از فناوری های جدید به تناسب رشد تکنولوژی اطلاعات بتواند پاسخگوی نیاز مراجعان خود باشد.

اگر سخن یا پیشنهادی دیگری در ارتباط با کتابخانه شماره دو به نظر شما می رسد لطفاً بفرمایید.

ج - بله حالا که جابجایی کتابخانه شماره دو محتمل است، من استدعا می کنم افرادی که برای انجام این جابجایی انتخاب می شوند. کتابداران خبره و بصیری می باشند که قدر و ارزش کتاب های این کتابخانه را بدانند و به نوعی این منابع را جابجا کنند که هیچ آسیبی متوجه این منابع نشود. دیگر این که به هر جایی که کتابخانه منتقل می شود، هویت مستقل خودش را حفظ کند و با هیچ کتابخانه دیگری ادغام نشود، و فضایی که برای این کتابخانه در نظر گرفته می شود ویژه محققان باشد و حالت عمومی نداشته باشد. نکته مهم دیگر این است که زمان انتقال بسیار کوتاه باشد. طوری نباشد که وعده یک ماهه داده شود اما شش ماه این کار طول بکشد؛ چون در این صورت استمرار مطالعه مراجعه کنندگان به این کتابخانه آسیب می بیند.

نکته دیگری که به نظرم می رسد این است که خوب است این کتابخانه از جهت مدیریتی هم استقلال نسبی پیدا کند. یعنی در عین این که زیر نظر کتابخانه شماره یک است، برای خود مسئول مشخصی داشته باشد تا بتواند آن را به خوبی اداره کند. این فرد می تواند به عنوان قائم مقام یا معاون کتابخانه مجلس عمل کند، تا بتواند با اختیاراتی که دارد به خوبی پی گیر امور این کتابخانه مهم باشد.

س - خیلی لذت بردم از دلسوزی و آشنایی شما به منابع این کتابخانه و اهمیت و دقتی که به نحوه استفاده از منابع و خدمات رسانی این منابع مدنظر دارید، انشاءالله که عملکرد کتابخانه مجلس و سایر کتابخانه های مملکت ما بتوانند محققینی مثل شما را راضی کند، چون قدرت اصلی هر مملکتی به محققین آن است، آنان هستند که اطلاعات را تولید می کنند. و ما می دانیم امروزه آنچه که قدرت را به ارمغان می آورد اطلاعات است. با تشکر مجدد از این که در این مصاحبه شرکت کردید و آرزوی موفقیت برایتان.

ج - من هم از شما تشکر می کنم و امیدوارم که توجه به کتابخانه شماره دو محدود به انتشار یک ویژه نامه نباشد و در فرصت های بعدی هم به این کتابخانه بذل توجه شود. انشاءالله